

مجله

دانشکده ادبیات

شماره چهارم سال دوازدهم

۱۳۴۴

(شماره مسلسل ۴۸)

تیرماه

کتابشناسی

رساله در علم سیاق

بقلم آقای احمد گلچین معانی

کتابیست بسیار سودمند در علم سیاق و طریق محاسبات مملکتی و لوازم ارباب
استیفا و قواعد دفتر داری ، مشحون از فواید تاریخی و لغات و اصطلاحات فنی ،
تألیف ابواسحق غیاث الدین محمد کرمانی متخلص به عاشقی معاصر شاه طهماسب
صفوی که در حدود سال ۱۰۵۹ هجری تألیف شده و مشتمل است بر دیباچه‌ی مفصل
و یک مقدمه و چهار دفعه (۱) و خاتمه .

دیباچه شامل خطبه و براءت استهلالیست منشیانه ، در حمد باری و نعت نبی
و منقبت ولی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین ، و مدح شاه طهماسب و تمجید
و ستایش مجددالدین عبدالرشید وزیر کرمانی و فرزندش عبدالقادر که این کتاب
بخواست وی تألیف شده است . متضمن اشعاری از رباعی و قطعه و مثنوی و دو
قصیده یکی در منقبت مولای متقیان و دیگر در مدح شاه طهماسب که همه سروده
مؤلف است .

مقدمه مشتملست بر چهارده فصل بدین تفصیل :

فصل اول در شرف و قدر این فن شریف ،

فصل دوم در حقیقت آنکه کدام صنف از اصناف قابلیت و استعداد این شغل
خطیر دارند ، و نصیحت مستوفیان عظام ، و ترتیب آلات و ادوات
نویسندگان ،

فصل سوم در موضوع این علم و مایه‌تعلق به ،

فصل چهارم در تعریف علم حساب و معنی آن و مایه‌تعلق به ،

فصل پنجم در معرفت کسور و رقوم ،

فصل ششم در باب کمیت دینار و من باصطلاح و عرف زمانه ،

فصل هفتم در بیان نوشتن اوراق دفاتر و کمیت مدات و مایه‌تعلق به ،

فصل هشتم در بیان آنکه هرچیز را بطریق اهل این فن بچه طرز می‌نویسند و
مایه‌تعلق به ،

فصل نهم در بیان تاریخ و جایزه و تصحیح آن که بچه طریق عمل باید نمود ،

فصل دهم در ترقین و ترسیف که رقم بطلانست .

فصل یازدهم در بیان آنکه در محل میزان کدام چیز مناسب است که مقدم
نویسند ،

فصل دوازدهم در بیان کیفیت تواریخ مختلفه و مایه‌تعلق به ،

فصل سیزدهم در حساب هندسه و جعل و آنچه بآن متعلق است ،

فصل چهاردهم در باب قرار جمع قانون ممالک محروسه و کیفیت مبلغ و
تسعیر اجناس .

دفعه اول در بیان روزنامهچه ،

دفعه دوم در بیان دفتر توجیه . . . و توجیه مشتمل بر چند فصل است :

فصل اول در معنی توجیه و مایه‌تعلق به ،

فصل دوم در کیفیت نوشتن پروانجات و پروات و تعلیقات و صورت مشنی و

سرخط و مایه‌تعلق به ،

فصل سوم در بیان نوشتن دفاتر توجیه و مایه‌تعلق به .

دفعه سوم در اوارجه و مایه‌تعلق به ، مشتمل بر دو قسم :

قسم اول در ابواب المال ،

قسم ثانی در ابواب التجاویل در بعضی محاسبات که بعمل صار شود (= تذویب ،

انشقاق ، سبب ، ابتیاع ، تبدیل ، تسعیر ، مصارفه ، تعصیر ، قطع ، صدع ، سبک ،

استخراج ، استعمال ، صوغ) .

**

آغاز :

« ای نام تو سرد دفتر مجموعه راز آن به که کنم نسخه بنامت آغاز

از نام تو مجمل جهان گشته درست وز ذکر تو قانون دو عالم شده ساز»

تفصیل هر مجمل و هر مفصل حمد حضرت باقی مزاوار است که صحایف

رنگ آمیزی اوراق خزان و بهار و اوزان سفید و سیاه و لیل و نهار رقمی از دفتر

آفرینش اوست ، و ورق‌های رنگین دفاتر گل رعنا و وجوه‌العین دیده زرگس شهلا
مجملی از نسخه دالش و بینش او .

آفرینش رقم کشیده اوست هرچه جزاوست آفریده اوست

انجام :

« در وجه تحویل افتخارالاعیان حیدرقلی آقاخان بموجب برات ، بتاريخ شهر-

محرم الحرام سنه ۱۰۵۱ (عدد باسیاق نوشته شده است)

مؤلف در معرفی خود و سبب تألیف گوید :

«اما بعد چنین گوید مدون این دفتر و مصنف این نسخه روح پرور ، بنده فقیر حقیر معترف بعجز و تقصیر ابواسحق غیاث‌الدین محمد کرمانی لمعه الله نه‌ایه الآمال و غایة الامانی که در زمان هبوب صوت صبا که حواشی عذار چون شراب عذب از کدورت صافی بود ، اعنی ابتداء اوان جوانی و خلاصه ایام زندگانی ، همیشه خاطر فاتر بکسب علوم و استفاده آن مایل و موله بود ، اکثر اوقات با وضع و شریف و صغیر و کبیر از این مقوله می گفت و می شنود ، و پیوسته در مدارس علما و مجالس فضلا از هر قصه حصه‌یی بدست آورده ، و از هر گوشه توشه‌یی ، و از هر خرمنی خوشه‌یی یافته ، تا به بسیاری از فنون علوم مثل نحو و صرف و معانی بیان و منطق و کلام و سایر علوم دینی و معما و لغز و سایر آنچه ضروری است وقوف حاصل شده ، چنانچه علماء فضیلت دثار و بلغاء فصاحت آثار در کشف رموزات زمره فضلا و حل نکات جمله علماء امتحانات می فرمودند ، و جواب‌های دلپسند و نکته‌های ارجمند می شنودند»

چون حضرت واهب‌العطایا در ازل این بی‌مقدار را از علم حساب بهره داده ، هرگز از آن بالکلیه خالی نتوانستم بود ، و در تحصیل این فن شریف سعی بسیار و جهد بیشمار نمودم ، چنانچه بر تنقیر و قطمیر و حبه و شعیر اطلاع حاصل شد ، مکنونات این علم لطیف چیزی بر خاطر فاتر پوشیده نماند ،»

آنحضرت (= عبدالقادر فرزند عبدالرشید وزیر کرمانی) همیشه بنده را بنوشتن رساله‌یی جامع در فن حساب که محتاج الیه ارباب الباب است ، مأمور می فرمودند ، مثل رساله بحر‌السیاق که استاد المحاسبین فی الآفاق مولانا شرف‌الدین فضل‌الله خاصه^۱ تدوین نموده ، شمس‌السیاق که خواجه شمس‌الدین محمد صاحب دیوان باسم ساسی خواجه میر احمد حالی^۲ ترتیب فرموده و رساله تعلیم سیاق که خواجه

۱- کلمه «خاصه» را در جاهای دیگر هم بدنبال نام شرف‌الدین فضل‌الله آورده است.

۲- کذا و بقرینه «ساسی» بنظر میرسد که «جاسی» باشد

دین پناه خواجه سلیمان شاه کرمانی نوشته ، وقواعد الحساب که استاد فرزانه بادیانان و دین خواجه محیی الدین کرمانی تصنیف کرده ، و غیر آن . اما بواسطه کثرت اطناب و بسیاری اغراق و تشبیهات غریبه و لغات عجیبه ، طالب این فن شریف از اصل مقصود باز می ماند ، و به مطلب و مقصود نمی توانست رسید ، چون اطاعت فرمان واجب الاذعانش بمضمون :

هر که بیرون نهد از دایره حکم تو پای

بس که سرگشته رود گرد جهان چون پرگار

فرض عین است ، امثالاً لامره العالی ، این نسخه قلمی می گردد ، امید که مستوفیان دفاتر صدق و یقین و محاسبان بلاغت آثار سخن آفرین را مستحسن طباع و مرغوب قلوب افتد :

آنچه درین مینه نهان داشتم یک یک از دل بزبان داشتم
گر بدوگر نیک فکندم به پیش پوش بدمن به نکویی خویش . . .
و این رساله مشتمل است بر مقدمه و چهار دفعه و خاتمه .

در جای دیگر گوید :

خدا مطلع الاسرار است که مؤلف این رساله از زمان بلوغ تا این زمان که
سنین عمر به ثلثین رسیده

قرنی هسرم گذشته از عمر سی سال تمام گشته از عمر

بخدمت حضرت آصفجاه اسلام پناه رشید و حید زمان مشغول است ، بخاطر نمیرسد که هرگز یک دینار و یکمن بار ظلم بر شخصی نموده و کج قلمی کرده باشد .

در جای دیگر مینویسد :

« . . . و مؤلف این رساله در خدمت شهریار دوران مشاهده نمود که در

دارالسلطنه هرات برسبیل آزمون جریبی را پیموده اند ، و مطابق و موافق همین که قلمی شده بیرون آمده . . . » .

و در جای دیگر ذیل معنی نص قاطع گوید :

«... و بنده را در مثنوی گلنار و منوچهر در تعریف گلنار دو بیت مناسب این مقام هست ، چون سررشته سخن باینجا کشید نوشته میشود :

بزیبایی کسی مثلش ندیده زنون ابرو و از صاد دیده

که شد زان مصحف رخسار لامع بود بر قتل عاشق نص قاطع «

چنانکه گذشت ، مؤلف در دیباچه اشعاری از خود آورده که از آنجمله است قصیده‌یی شامل چهل و یک بیت در منقبت مولای متقیان و قصیده دیگر شامل پنجاه و نه بیت در مدح شاه طهماسب صفوی و دو بیت ذیل که متضمن تخلص اوست از آنجاست :

شها ز لطف بر احوال عاشقی نظری کن

که گشته است ز جور عاجز زمانه و مضطر

چوهست عاشقی از مادحان حضرت تو

ز حال او نظر تربیت دریغ مدار

و لازم بذکرست که ترجمه احوال او در هیچیک از تذکره‌ها نیامده است .

قسمتی از یک فصل این رساله :

« فصل دوم - در حقیقت آنکه کدام صنف از اصناف قابلیت و استعداد این

شغل خطیر دارند ، و نصیحت مستوفیان عظام ، و ترتیب آلات و ادوات نویسندگان :

بر رأی رزین اعیان و اصول و ارباب خبرت و عقول پوشیده نیست که مستوفی

می باید که بکمال حسب و صحت نسب آراسته باشد ، و از فنون علم بشوعی مستحضر

باشد که مزیدی بر آن متصور نباشد ، و چون درین روزگار هم اهل زمانه بسیار

مقصرست . اول مرتبه چنان نمایند که ترکیب عربی از فارسی جدا توانند کرد ، و

محل اعراب از بنا فرق توانند نمود ، اصلاً دون همت و رذل را در مهمات دخل

نباید داد ، چرا که از این دنائت همت و سستی طبع و شومی حرص و کجی قلم او

خلل های کلی بجان عجزه و رعایا راه یابد .

آورده اند که نوشیروان که نهال ریاض رعایا از آب جویبار معدلتش سرسبز بود ، در محل توجه بسفر روم در یکی از بلاد او را ضرورتی پیش آمد که ناچار سامان او را سی هایست نمود ، یکی از وزرای خود را طلب نمود ، که تفحص نماید و بیست هزار مثقال طلا برسبیل قرض بستاند ، که چون از آن سفر مراجعت نماید معشیه زائد باز داده شود ، و از آنجا که کمال عدالت اوست ، او را بنوازش های شاهانه ممتاز گرداند ، چون وزراء از خدمت نوشیروان بیرون آمدند و کیفیت آن حال بر لشکر و سپاه ظاهر شد ، یکی از مردم اردو بازار نزد وزیر آمد که این مبلغ که پادشاه را ضرور شده بنده برسم پیشکش بخزانة عامه می سپارم ، و یک امید دارم که پادشاه رخصت دهد که بنده زاده که او را قابلیت ذاتی هست ، خط سیاق مشق نموده حساب یاد گیرد .

وزیر بشعف هرچه تمامتر برگشته زمین خدمت بوسه داد ، و از آن حکایت که تصور خدمتی می کرد نسبت پپادشاه شمه یی بذروه عرض رسانید ، نوشیروان که دانش منبع عدل و معدن احسان بود ، بانگ بروزیر زد که دیگر بامثال این حکایات اقدام بنمای و این جرأت و گستاخی مکن . بوسطه جزوی که سامان آن از صد محل ممکن باشد ، بدعت شنیعی در عالم بگذارم و اطراف مملکت خود را خراب سازم ؟ همت عالیش قبول آن وجه نفرمود ، و رخصت نداد که دون همت بدبیری اشتغال نماید .

نوشیروان که طنطنه صیت عدل او

تا این جهان بود همه جا داستان بود

هرگز روا نداشت که بد اصل سقله را

در هیچ مملکت قلم اندر میان بود

زیرا که بدسگال چو صاحب عمل شود

بر ذلت و وبال خلاق نشان بود

فریاد از جور این زمانه دون پرور که هر کس از حلاج و جولاهه که سیاهی از سفیدی شناختند ، دوات و قلم در میان زده از خانه بیرون تاختند ، و بنوک قلم که صورت کلید دارد ، خانه عجزه و مساکین را از بنیاد برانداختند .

رعایا گوسفندان زبونند صف عمال از گرگان فزونند
مکن گرگ قوی را تیز دندان مده سر در میان گوسفندان . . .

از فصل دیگر :

« . . . و از بعضی محال عشر و بعضی نصف العشر می گیرند ، و در دارالامان کرمان صینت عن طوارق الحدثان قصب متعارفت ، سابقاً پنج ذرع بوده و الحال پنج ذرع و دو دانگ است ، و ذرع متعارف از قرار قصب می نهند .

پوشیده نماید که در زمان سلطنت مرحوم تیمورخان که ممالک ایران و توران مسخر حکم و فرمان آن پادشاه عظیم الشان بوده ، میرزا اندکوبرلاس^۱ و خواجه - نظام الدین علی تونی بحکومت و وزارت کرمان و قرار جمع آنجا مأمور بوده اند ، چون کرمان مملکتی وسیع است ، و سردسیر و گرمسیر هر دو دارد ، و از یکی بدیگری مسافتی بسیار است ، و در یکسال قرار جمع و بازدید هر دو محل نمودن خالی از تعذری نیست ، عرضه داشتی بدیوان اعلی نوشتند مشتمل بر چند فصل ، مضمون یک فصل آنکه حسب الحکم جهانمطاع بندگان بقرار جمع کرمان مقرریم ، و کرمان مملکتی وسیع است ، و سردسیر و گرمسیر هر دو دارد ، و مسافت در میانه بسیار است ، اگر ببازدید سردسیر میرویم ، محال گرمسیر فوت میشود ، و بالعکس ، ادعای اهالی کرمان آنکه از قدیم الایام الی الان ربع متعارف درین مملکت است ، بدستور ربع میگیریم و قرار جمع میدهیم ، بذوره عرض رسانیده شد که بچه نحو عمل نمایند ، و مدعای بندگان آنکه بهره مقرر فرمایند عمل شود .

در جواب نوشته اند که چون مقصود اصلی از قرار جمع و غیره فراغت رعایا و رفاهیت بریاست ، بدستور ربع متعارف از قرار جمع و غیره ایشان دهند ، که اگر

۱ - در تاریخ کرمان : اید کوبرلاس آمده است .

تفاوتی باشد، تعلق برعایا داشته باشد، و چون در زمان تیمورخان ربع متعارف است حکامی پیدا کرده، آنرا ربع تیموری نامند، و الی یومنا هذا در دارالامان کرمان و توابع این ربع متعارفست، و ربع مذکور بدین موجب است...».

نسخه شماره (۷۱۴۸) کتابخانه آستان قدس، شکسته نستعلیق قرن دوازدهم
هجری، کاغذ شکری آهار مهره دار، عناوین بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌یی، عدد
اوراق ۱۰۶، هر صفحه ۱۷ سطر، ۷ × ۱۵/۵، ۱۱/۸ × ۲۱/۷

